

اخوت اسلامی به مثابه سرمایه اجتماعی معنوی در اندیشه امام خمینی ره

یوسف فتاحی*

چکیده

کشف اندیشه و راهکار امام برای حفظ نظام اسلامی و الگوسازی آن، راه حل مسائل جاری و آینده ایران و جهان اسلام خواهد بود. این مقاله تولید سرمایه اجتماعی را پیش فرض تحقق این آرمان دانسته و اخوت اسلامی را به مثابه سرمایه اجتماعی، مکانیسم اساسی حفظ نظام اسلامی در اندیشه امام ارزیابی می کند. لذا مبانی، اهداف و مکانیسم های تحقق «اخوت اسلامی» را مورد بررسی قرار می دهد. اثر عملی اخوت اسلامی، کاهش فاصله بین دولت ها و ملت های مسلمان و همگرایی مستضعفان خواهد بود. اخوت، هزینه کنش های اجتماعی و سیاسی را به حداقل می رساند و با توجه به احساس تعلق همگانی، هزینه مدیریت را پایین می آورد. در عین حال قدرت بزرگی را در مقابل مطامع و افزون طلبی دولت های غیر اسلامی و جهان استکبار تشکیل می دهد. ایده این مقاله، همسانی اخوت اسلامی با اخوت انسانی است.

واژگان کلیدی

اخوت اسلامی، سرمایه اجتماعی، امام خمینی، جهان اسلام.

مقدمه

اختلافات داخلی بین کشورهای اسلامی و مستضعفان، یکی از مسائل اصلی و نگرانی‌های حضرت امام خمینی است. اختلاف از یک‌سو، مانع پیشرفت مادی و معنوی می‌شود و از سوی دیگر، هزینه مدیریت جامعه را بالا می‌برد. کارآمدترین راه برای هم‌گرایی و همبستگی در سطوح مختلف و گریز از زیان تفرقه و اختلاف و حفظ کیان جوامع اسلامی و تحقق آرمان‌های مستضعفان «اخوت اسلامی» است که همدلی، هم‌رأیی و همکاری را پدیدار می‌سازد. در قرآن و روایات، اخوت اسلامی از نظر جامعه‌شناختی، مکانیسم اساسی در برقراری جامعه اسلامی محسوب می‌شود. حسن معاشرت، همبستگی و الفت، اصلاح میان مؤمنان، برطرف کردن اختلافات و دودستگی‌ها، تساوی حقوق و عفو و گذشت را از جمله آثار اخوت اسلامی می‌توان برشمرد.

امام خمینی حفظ اسلام را هدف بنیادین می‌داند و می‌فرماید: «باید اسلام بماند، و قرآن هم بماند. خمینی از بین برود، برود؛ دیگری هم از بین برود، برود». (امام‌خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۷۵) ایشان مهم‌ترین ابزار حفظ اسلام را نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌کند و حفظ آن را از «اعظم فرایض» (همان: ۱۵ / ۳۲۹) می‌شمارد. حال پرسش اساسی این است که امام با چه مکانیسمی می‌خواهد نظام اسلامی را حفظ کند؟ این مقاله، اخوت اسلامی را به‌مثابه سرمایه اجتماعی در اندیشه امام خمینی فرض و تعمیق و گسترش آن را عنصر اساسی در حفظ جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کند. نویسنده مقاله بر این باور است که کشف اندیشه امام و الگوسازی آن، راه‌حل مسائل جاری و آینده کشورهای اسلامی است. این پژوهش قصد بررسی اخوت اسلامی از منظر سرمایه اجتماعی در اندیشه امام را دارد.

مفهوم سرمایه اجتماعی^۱

سرمایه اجتماعی از نظر محتوا، مفهومی قدیمی است که از دهه ۱۹۹۰، در بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع، در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و به‌تدریج در قلمرو تحقیقات اجتماعی و سیاسی، توسعه پیدا کرد. طرح این رویکرد در

1. Social Capital.

بسیاری از مباحث اجتماعی، نشان‌دهنده اهمیت نقش روابط اجتماعی و فرهنگی بر متغیرهای اقتصادی، در تحولات جامعه است. سرمایه اجتماعی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بنا شده است و شناسایی آن به‌عنوان نوعی سرمایه، می‌تواند شناخت جدیدی از نظام اجتماعی ایجاد کند و کارایی نظام‌ها را بهبود بخشد. بهره‌جویی از فرصت‌ها و جلوگیری از تهدیدها نیازمند دانش مدیریت جدید است. در دهه‌های اخیر، سرمایه اجتماعی، توجه دانشمندان علوم انسانی را در مدیریت جوامع و خروج از بحران‌های گوناگون به خود جلب کرده است.

سرمایه اجتماعی، هر منبعی است که به دارنده آن امکان می‌دهد، با اثرگذاری بر محیط، منافع خود را در رقابت با دیگران به دست آورد، به اهداف دست‌نیافتنی دست یابد و ایده و ارزش‌های خود را به دیگران بقبولاند. سرمایه اجتماعی شبکه امنی را برای افراد، گروه‌ها و جوامع تشکیل می‌دهد. اجتماعاتی که از شبکه‌های اجتماعی مدنی زیادی برخوردار باشند، هنگام مواجهه با مسائل و آسیب‌ها و حل و فصل منازعات و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید از موضع محکم‌تری برخوردار خواهند بود. سرمایه اجتماعی نیروی موجود در ساخت و سازمان جامعه است که کم‌وکیف کنش‌های متقابل را سامان می‌دهد. سرمایه اجتماعی نوعی توانایی است که در واحدهای اجتماعی تجسم می‌یابد. (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۳۲ و ۱۳۳) سرمایه اجتماعی «مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی‌های متقابل به افراد یا گروه‌ها تعلق می‌گیرد؛ شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار کرده و آنان را شایسته اعتبار می‌سازد». (Bourdieu, 1985: 24)

«جیمز کلن» سرمایه اجتماعی را بخشی از یک ساختار اجتماعی می‌داند که عمل کنشگر را در داخل ساختار، آسان می‌کند و به او اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منابع دسترسی‌ناپذیر، دست یابد. (کلن، ۱۳۷۷: ۴۷۶) افراد و گروه‌هایی که به یکدیگر اعتماد دارند در قیاس با دیگران که فاقد چنین اعتمادی هستند، از قوای همکاری بیشتری با یکدیگر برخوردارند. مهم‌ترین ویژگی سرمایه اجتماعی، نظام تعهدات و انتظارات است. (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸) میزان واقعی تعهدات، یعنی انکار نکردن تعهدات؛ و میزان اعتماد موجود در محیط اجتماعی، یعنی اجرای تعهدات، در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی نقش حیاتی دارند.

«کلمن» سرمایه اجتماعی را متشکل از هنجارها، اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی می‌داند. از نظر «پاتنام» هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات بین افراد را شکل می‌دهد. شبکه‌ها یا افقی و یا عمودی هستند. در شبکه افقی، شهروندان از وضعیت و قدرت برابر برخوردارند. (همان)

«جان فیلد» ایده محوری سرمایه اجتماعی را «شبکه روابط اجتماعی» می‌داند. انسان از طریق شبکه‌ها به هم متصل می‌شود و تمایل دارد ارزش‌های مشترکی با سایر اعضای شبکه‌ها داشته باشد. با گسترش شبکه‌ها نوعی دارایی به دست می‌آید که سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود. در مجموع هرچه افراد بیشتری بشناسید و هرچه دید مشترک بیشتری با آنها داشته باشید، سرمایه اجتماعی غنی‌تری خواهید داشت. (Field, 2003: 32) شبکه روابط، نیازمند اعتماد اجتماعی، مشارکت و ارزش‌های مشترک است. در یک جمع‌بندی کلی، سرمایه اجتماعی، حاصل شبکه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و داشتن تصویری مشترک از آینده است.

مفهوم اخوت^۱

مناسبات اجتماعی تنها به واسطه هنجارها و قواعدی شکل می‌گیرند که افراد در کنش‌های خود به کار می‌برند. روابط و مناسبات، در قالب شبکه‌های اجتماعی تجلی می‌یابند. نسبت بین انسان‌ها دو صورت دارد:

اول، نسبت حقیقی و طبیعی که مورد بحث ما نیست.

دوم، نسبت اعتباری و قراردادی که آثار شرعی و حقوقی از نسبت اعتباری ناشی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۷۱)

امور اعتباری، اموری هستند که آثار حقیقی بر آنها مترتب می‌شوند، برای مثال فردی را رئیس و بقیه اعضای جامعه را مرئوس فرض می‌کنند. منظور از اخوت اسلامی، اخوت اعتباری است و از هم‌شکلی عقیدتی، ارزشی و رفتاری ناشی می‌شود. اخوت اسلامی، گروه

۱. نویسنده، عبارات «اخوت اسلامی»، «وحدت کلمه» یا «وحدت و اتحاد» در آثار امام را به یک معنی در نظر می‌گیرد.

درهم‌تنیده‌ای است که با وجود تمایز افراد و گوناگونی سلاقی و مذاهب، چون هویت مشترکی دارند، گروهی را تشکیل می‌دهند. مثل فرشی که با وجود نخ‌های رنگارنگ از یک نقشه تبعیت می‌کنند. تار و پود این نقشه از نظر جهان‌شناسی، توحید؛ از حیث ارزش‌شناختی تقوا و از حیث رفتاری «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹) می‌باشند. یک گروه، مجموعه‌ای از افراد است که با همدیگر روابط منظم و نسبتاً پایدار دارند و به‌طور مستمر و قابل پیش‌بینی برای رسیدن به اهداف مشترک با هم همکاری می‌کنند. (Nadel, 1951: 146)

در این مقاله، اخوت اسلامی مانند سرمایه اجتماعی، حاصل شبکه روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و داشتن ارزش‌ها و تصویری مشترک از آینده است. از این‌رو، اخوت اسلامی در این مقاله سرمایه اجتماعی ملحوظ شده است. شبکه روابط رسمی یا غیررسمی در مرکز مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی قرار دارد و اخوت یک شبکه روابط غیررسمی است. واحد تحلیل در این مقاله، اخوت در سطوح منطقه‌ای (شیعه و سنی) و بین‌المللی (مستضعفان) است. هرچند تأکید اصلی امام بر سطح منطقه‌ای و شیعه و سنی است.

با توجه به اینکه آبشخور اندیشه‌های امام، قرآن کریم و حدیث است، ابتدا مسئله اخوت اسلامی را از منظر قرآن و حدیث بررسی کرده، سپس به نظر امام می‌پردازیم.

اخوت در قرآن

اخوت اسلامی، شبکه‌ای از روابط عاطفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دو وجهی است که از نظر پیوستگی و گسستگی، خودی و غیرخودی و از نظر جامعه‌شناختی، همگرایانه و واگرایانه دارد. رابطه پیوستگی حامل همبستگی و همگرایی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و رابطه گسستگی حامل واگرایی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» هستند. قرآن کریم هم‌شکلی عقیدتی و رفتاری را در کنار برادری مطرح می‌کند. آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، (حجرات / ۱۰) قانونی را در بین مسلمانان تشریح می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که پیش از این برقرار نبود و آن، نسبت برادر ایمانی است که آثار شرعی و حقوقی نیز دارد. از سوی دیگر، تپذیرکنندگان را برادران شیطان می‌نامد. (اسراء / ۲۷) افراد در چارچوب عقیده، ارزش و رفتار «از کنش‌ها یا شبکه‌های

درهم‌تافته‌ای از وابستگی متقابل هستند که به‌صورت متقابل به یکدیگر متکی هستند». (پونز و اسکات، ۱۳۸۵: ۸۷)

قرآن کریم برادری ایمانی را تحکیم‌بخش وحدت و همبستگی اجتماعی دانسته و برادری و الفت مؤمنان را سرمایه‌ای تصویر می‌کند که با صرف همه منابع مادی نمی‌توان آن را به وجود آورد. (انفال / ۶۳) از این‌رو، آن را نعمت الهی می‌شمارد (بقره / ۱۷۸ و آل‌عمران / ۱۰۳) و به‌عنوان عامل پایداری جامعه بر آن تأکید می‌کند. (بقره / ۱۷۸)

قرآن، اخوت اسلامی را مکانیسم تأدیه حقوق، رفع مشاجره‌ها و نزاع‌ها، حل‌وفصل دعاوی و پرهیز از کارها و رفتارهایی مطرح می‌کند که موجب ازهم‌پاشیدگی ثبات و پایداری اجتماعی می‌شوند. (حجرات / ۱۲ - ۹)

اخوت اسلامی نماد توحید اجتماعی است و از توحید عقیدتی نشئت می‌گیرد. انسان مؤمن تمامی امتیازات مادی را کنار می‌گذارد و نقطه اشتراک بنیادین را ایمان به خدا می‌داند و تمام کنش و واکنش‌های خود را براساس آن تنظیم می‌کند.

گفته شد که اخوت، طبیعی و اعتباری است. اخوت طبیعی در شرایع اثری ندارد، ولی اخوت اعتباری دارای آثار اعتباری در اسلام است. از این‌رو، نژاد در اسلام اعتبار ندارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷) اخوت اسلامی، الفت، تعاون و همبستگی اجتماعی را بازنمایی می‌کند و لازم است مسلمانان با همه عواملی که باعث خروج از این اصل می‌شوند، مبارزه کنند. (شاذلی، ۱۴۱۲: ۶ / ۳۳۴۳) به نظر بعضی مفسران، تعاون و همکاری باید به‌صورت انسانی باشد، دعوت اسلامی هم اساساً کلی است و استثنائی ندارد. ده‌ها آیه و روایت دال بر عمومیت دعوت اسلامی است، مانند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (حجرات / ۱۳)

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را شعبه‌شعبه و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید، گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

خطاب «ای مردم»، عبارت «از مرد و زنی» و «باتقواترین» دلیل قاطع و واضح بر دعوت

انسانی و عالم‌گیر قرآن است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در فرمایشی شبیه این آیه می‌فرمایند:

الناس سواء كأسنان المشط، ألا لا فضل لعربي علي عجمي، ولا لعجمي علي عربي،
ولا لأحمر علي أسود، ولا لأسود علي أحمر إلا بالتقوي. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲ /
باب ۱۰ / ۳۴۸)

مردم مانند دانه‌های شانه برابرند. آگاه باشید عرب بر عجم و عجم بر عرب،
سرخ‌پوست بر سیاه‌پوست و سیاه‌پوست بر سرخ‌پوست هیچ برتری ندارد مگر به
تقوی.

آیه ۳۰ سوره روم تصریح می‌کند که دین اسلام دین فطرت است. فطرت نیز در همه
انسان‌ها مشترک می‌باشد.^۱ (مغنیه، ۱۴۳۴: ۷ / ۱۱۵۱) از دیدگاه قرآن، بشر از اصل واحد
برخوردار است.

مرحوم مطهری از اخوت اسلامی به «سوسیالیسم اسلامی»^۲ تعبیر می‌کند. این مسئله،
ایده‌آل مذهب و اسلام و آن چیزی است که در دوره آخرالزمان وعده داده شده است. آن
وعده این است که انسان از لحاظ رشد اخلاقی، عاطفی و صفای در اخوت به حدی می‌رسد
که عملاً اشتراک وجود دارد، عملاً این جیب و آن جیب وجود ندارد. (مطهری، ۱۳۷۴:
۱۵ / ۵۷۵) قرآن دنبال تحقق روابط انسان‌ها براساس برابری، برادری، احساس اخوت و
همسانی است تا جامعه را از نظر نظامات و مقررات طبق الگوی توحیدی ایجاد کند. (همان:
۲۴ / ۷۳) نتیجه سخن اینکه اخوت اسلامی با نظر دقیق، همان اخوت انسانی است و اسلام،
تمام انسان‌ها را به حکم یک خانواده تصویر می‌کند و اعضای خانواده در غم و شادی هم
شریک هستند.

در قرآن برای هدایت، دو دسته آیات وجود دارد. دسته‌ای هدایت قرآن را مختص به

۱. ایشان به مطلبی اشاره می‌کند که در صورت اثبات بسیار عجیب است و آن اینکه ایمان به انسان
به‌عنوان انسان، در ردیف ایمان به خدا و رسول است. بنابراین اخوت انسانی اثبات می‌شود. (مغنیه،
۱۴۲۴: ۷ / ۱۱۵۱)

۲. باید توجه کرد که منظور استاد مطهری به‌هیچ‌وجه سوسیالیسم مارکس نیست.

متقین، مؤمنین، محسنین و مسلمین و دسته‌ای از آیات همگانی و انسان و بشر را مطرح می‌کنند.^۱ «آیت‌الله جوادی» در حل این مسئله، سه نظریه را مطرح می‌کند: اول، عده‌ای از مفسران نظیر «امین الاسلام طبرسی» می‌گویند:

هدایت قرآن، همگانی است، ولی انسان‌ها دو دسته‌اند: یک دسته دعوت قرآن را می‌پذیرند و از آن بهره می‌برند و یک عده آن را نشنیده می‌گیرند.

دوم، نظر «علامه طباطبایی»، است که می‌گوید:

هدایت الهی دو نوع است. هدایت تکوینی فطری که همگانی است و همه از آن بهره می‌برند و هدایت تشریحی که مختص کسانی است که فطرت خود را از اعوجاج حفظ می‌کنند و عده‌ای فطرت حق جو و خدایطلب خود را از بین می‌برند و بی‌بهره از هدایت قرآن می‌شوند.

سوم، نظر خود «آیت‌الله جوادی» است که می‌نویسد:

هر دو نظریه قبلی مبتنی بر پذیرش تعارض میان آیات است، درحالی‌که هر دو دسته آیات، یک حقیقت را بیان می‌کنند و تعارضی بین آنها وجود ندارد. هدایت قرآن برای کسانی است که فطرتشان سالم، پاک و زنده است و کسانی که فطرتشان مرده است، از هدایت قرآن بیرون هستند. درواقع، کسانی که فطرت آنها مرده است، انسان نیستند، بلکه شبیه حیوان و حتی کمتر و گمراه‌ترند. پس با تأمل معلوم می‌شود که «ناس» همان «متقین» و «متقین» همان «ناس» هستند و دیگران در حکم چهارپایان یا فروتر از آنها هستند. (جوادی، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۴۶ - ۱۴۰)

امام خمینی در بحث از صورت ملکوتی انسان، هشت نوع انسان را بیان می‌کند و از میان آنان فقط یک نوع را انسان و بقیه را گونه‌هایی از حیوان می‌شمارد. (فتحی، ۱۳۸۸: ۱۸۰) بنابراین سخن صاحب «کشاف» با این تحلیل، بیهوده نیست. اما اگر منظور ایشان، اخوت مؤمن و کافر، موحد و مشرک و ... باشد، سخن وی پذیرفتنی نیست.

۱. به ترتیب: بقره / ۲؛ یونس / ۵۷؛ لقمان / ۳؛ نحل / ۸۹؛ بقره / ۱۸۵؛ مدثر / ۳۱.

اخوت در روایات

از اصول اساسی زندگی سالم و مترقی، آسایش، آرامش، مردم‌دوستی و مداراست. روایات زیادی در توصیه به مهرورزی و مردم‌دوستی آمده، تا جایی که تمام مردم باایمان، یک روح دانسته شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَثَلُ افراد با ایمان در دوستی و مهرورزی، همچون اعضای یک پیکرند که چون بخشی از آن رنجور شود، اعضای دیگر را آرامش نخواهد ماند. (مجلسی، ۱۴۰۴:

۱۵۰ / ۵۸)

و نیز فرمود:

بهترین مؤمنان کسانی هستند که مؤمنان دیگر با او الفت گیرند و هرکسی با دیگران الفت نگیرد و دیگران نیز با او الفت و دوستی نداشته باشند، خیری در او نیست. (همان: ۶۴ / ۲۹۸)

در کتاب «محاسن» از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: فردی به‌نام زیاد از رابطه دین و محبت می‌پرسد، امام می‌فرماید:

وای بر تو! مگر دین به‌غیر از محبت، چیز دیگری است؟ مگر کلام خدا را نمی‌بینی که می‌فرماید: «اگر دوستدار خدا هستید مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان ببامزد». (آل عمران / ۳۱) مگر خطاب او را به رسول گرامی‌اش محمد صلی الله علیه و آله نمی‌بینید که می‌فرماید: «ایمان را محبوب شما کرد و در دل‌هایتان زینت داد»، (حجرات / ۷) و نیز می‌فرماید: «مسلمانان هرکسی را که به‌سوی ایشان هجرت کند دوست می‌دارند»، (حشر / ۹) و فرمود: حب همان دین و دین همان حب است. (برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۲ / ح ۳۲۷)

کلینی در «اصول کافی» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد خیف برای مردم سخنرانی می‌کرد، فرمود: خدا رحمت کند بنده‌ای را که سخن مرا بشنود و به کسانی که نشنیده‌اند برساند. سه خصلت است که دل هیچ مسلمانی با آن خیانت نمی‌کند: خلوص عمل،

خیرخواهی پیشوایان و همراهی با جماعت مسلمین. مسلمین همه برادرند، خونشان برابر است. مسلمین همه یک‌دستند. (کلینی، بی‌تا: ۲ / ۲۵۸ / ح ۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مسلمان، برادر مسلمان، چشم و راهنمای اوست، به او خیانت و ظلم نمی‌کند، او را فریب و وعده خلف نمی‌دهد. (همان: ۳ / ۲۴۲ / ح ۳)

امام باقر علیه السلام فرمود:

مؤمنین وقتی همدیگر را ملاقات کنند و مصافحه نمایند، خداوند دستش را میانه دست‌های آنها، داخل کند پس مصافحه فرماید هر یک از آنها را که حبش نسبت به رقیفش بیشتر است.

حقیقت و سرّ واقعی این کرامت‌ها تحکیم مودت و محبت و تجدید عهد اخوت فی‌الله است. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۵۵۳) این حدیث نشان می‌دهد که قدرت خداوند همراه اجتماع و انسجام مسلمانان است «لأن یدالله تعالی مع الجماعة والوحدة». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۳۸) اخوت اسلامی، ظهور و تجلی قدرت خداوند در جامعه و سرمایه اجتماعی متکی بر نیروی لایزال و بی‌پایان است. اصل پایدار روابط اجتماعی که یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، انجام تعهدات و برآوردن انتظارات، یعنی اعتماد اجتماعی است. جامعه‌ای که اعضای آن خیرخواه، چشم و راهنما و مخلص هم باشند، روابط پایدار اجتماعی مبتنی بر اعتماد، بر آن حاکم خواهد شد. اخلاق حاکم بر جامعه اسلامی، هم ناشی از اعتماد اجتماعی و هم پدیدآورنده اعتماد اجتماعی هستند. سرمایه اجتماعی به الگوی روابط و محتوا یا کیفیت آن وابسته است و محتوای روابط اجتماعی در یک شبکه به اعتماد اجتماعی وابسته است. اخوت اسلامی بدون اعتماد فراگیر، هم از نظر ساختار و هم از نظر کیفیت روابط، محقق نمی‌شود.

اخوت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

اخوت اسلامی، ایده‌ای بنیادین در اندیشه امام خمینی علیه السلام است. باورها و دشمنان مشترک، دو مبنای مشترک اخوت و روابط اجتماعی اسلامی بین مسلمانان هستند که عوامل اصلی بنیان

اخوت اسلامی به شمار می‌روند. این اصول و ارزش‌های مشترک در سطح شیعیان و نیز در سطح شیعه و سنی روشن است و در سطح مستضعفان نیز، آرمان عدالت، آزادی و استقلال، بین مسلمانان و مستضعفان مشترک است. در واقع، خواسته آنها در راستای خواسته‌های اسلام و قرآن و تحقق وعده‌های قرآن کریم است. شبکه اخوت اسلامی در اندیشه امام از زاویه قدرت سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. ایشان می‌فرماید:

اگر اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی به وجود آید، یک قدرت عظیمی پیدا خواهد شد که هیچ‌یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن برسند.
(همان: ۸ / ۸۸)

لازمه قدرت اجتماعی، بسیج و سازمان‌دهی نیروها و منابع و اهداف است. بسیج «روندی است که در آن یک واحد اجتماعی به‌سرعت بر منابعی که پیش‌تر بر آنها کنترل نداشته، کنترل پیدا می‌کند». (بشیریه، ۱۳۷۴: ۷۹) شرایع بزرگ، مدعی کنترل و هدایت کل بشر به‌سوی خداوند هستند و اخوت، مهم‌ترین مکانیسم تحقق این مقصد بزرگ است. از این‌رو، اخوت اسلامی یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیا برای بسیج اجتماعی و تشکیل مدینه فاضله و جلوگیری از تعدی بر آن است. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۰۹) اگر چنین مودت و اخوتی در یک جامعه به وجود آید، بر تمام ملل متعدی غلبه می‌کند و ناهمواری‌های راه تعالی جامعه را هموار می‌سازد. (همان: ۳۱۰ و ۳۱۱)

امام با درک این مطلب در پی احیای این مکانیسم است و برای رسیدن به آن، ناچار است افکار و اندیشه‌ها را متوجه باورهای مشترک اسلام راستین و دشمنان مشترک سازد و بدعت‌ها و خرافه‌ها را از مغزها بیرون کند؛ به زندگی عمومی از نظر مادی و معنوی سامان بخشد و روابط انسان‌ها را براساس برابری و برادری و احساس اخوت و همسانی برقرار سازد. امام می‌داند جامعه مبتنی بر اخوت اسلامی، جز از راه اصلاح و تغییر اندیشه‌ها صورت نمی‌گیرد و کسب استقلال و آزادی جز از طریق اخوت اسلامی به وجود نمی‌آید. مسلمان‌ها با وجود اختلافات جزئی در فقه و کلام، دشمنان مشترکی دارند که کلیت اسلام را هدف قرار می‌دهند. امام در مصاحبه با «لوسین ژرژ» می‌گوید: «من همواره مُصراً خواسته‌ام که مسلمانان سراسر جهان

متحد شوند و بر ضد دشمنانشان ... مبارزه کنند». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳ / ۳۷۴)

جهان اسلام در حال حاضر به دلیل دوری از همدیگر و دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه قدرت‌های سلطه‌جوی فرمانطقه‌ای، دچار مشکلاتی است که الگوسازی و اجرای اندیشه امام، این مشکلات را حل خواهد کرد. عوامل تفرقه بین شیعه و سنی، یا جهل دوستان و یا دسیسه دشمنان است.

به نظر می‌رسد جامعه‌شناسی انسان از نظر امام، مبتنی بر روان‌شناسی اوست. اگر انسان براساس فطرت خدادادی تربیت شود، در سایه آن وحدت نفوس، اتحاد و الفت، اخوت، صداقت قلبی، صفای باطنی و ظاهری ممکن می‌شود، به گونه‌ای که افراد جامعه هویت و شخصیت واحد می‌یابند. اگر چنین مودت و اخوتی در یک جامعه پیدا شد، بر تمام ملل غلبه می‌کند. نمونه آشکار آن صدر اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۱۰) و اگر براساس فطرت، دلبسته به دنیا تربیت شود، در سایه آن، اختلاف‌ها و تضادها ظاهر می‌شوند.

تأکید بر اخوت اسلامی به‌مثابه تبعیض میان مسلمان و غیرمسلمان نیست. از این‌رو، امام به اقلیت‌های مذهبی اطمینان می‌دهد که آنها در این مملکت از زندگی عادلانه و مرفه‌ی بهره‌مند خواهند شد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۶ / ۱۳۳) این امر نشان می‌دهد که امام اخوت اسلامی را مکانیسم مناسبی برای تأمین عدالت و جلب اعتماد می‌داند و یک مؤلفه اساسی در تأسیس سرمایه اجتماعی - معنوی به شمار می‌رود. امام با طرح اخوت اسلامی از یک‌سو، باورهای مشترک را برجسته می‌سازد و از سوی دیگر، تکلیف همگانی را برای مبارزه با مؤلفه‌هایی مانند جنس، شغل، شهری و روستایی، گروه‌های مذهبی، نابرابری‌های قانونی و دشمنان، تعیین می‌کند. پررنگ شدن این مؤلفه‌ها، فرصت‌های کنش مردم را محدود می‌سازد و آنها را برای کسب امتیازات به رقابت و منازعه وا می‌دارد. امام رابطه هم‌تغییری متغیرها را در شبکه روابط اجتماعی اخوت اسلامی با یک مثال ساده بیان می‌کند:

وقتی یک میلیارد جمعیت فریاد کرد، اسرائیل نمی‌تواند، از همان فریادش

می‌ترسد. (همان: ۱۳ / ۸۱)

اساس رهیافت اخوت اسلامی، خودآگاهی ایمانی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است. تهذیب نفوس، از خودگذشتگی و دیگرگرایی، تسلیم به احکام اسلام و رابطه خادم و مخدومی

بین دولت و مردم، از بنیان‌های مهم آن هستند. انسان باید از نظر روحی و تربیتی به این حد برسد و خود را متعهد در برابر همه مؤمنان بداند. این تحول، پایه تعهدات و انتظارات؛ یعنی اعتماد اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

در شبکه اخوت، شهروندان قدرت و وضعیت برابر دارند. اخوت، یعنی برادروار زندگی کردن. این نوع زندگی سرشار از اعتماد و عاطفه است. در این نوع جامعه نه تنها افراد همدیگر را می‌شناسند - که یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است - بلکه به شکل فعالی در زندگی همدیگر نقش داشته، روابطی مفید و مملو از اعتماد را برقرار می‌کنند. فرادست و فرودست مفهوم خود را از دست می‌دهد و تقوا اساس تعاملات در جامعه می‌شود.

اهداف اخوت

هدف اساسی رهیافت اخوت در اندیشه امام، بازگشت به اسلام و قرآن می‌باشد و در آثار و موقعیت‌های مختلف به عملی‌سازی آیات: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...» (آل عمران / ۱۰۳) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، (حجرات / ۱۰) «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»، (انفال / ۴۶) «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِينَ». (مائده / ۵۶) تأکید می‌کند. از این‌روی اگر حس رحمت و شفقت، حق نوعیت و اخوت، انسان را به ارشاد و بیدار کردن مردم وادار کند، کیفیت بیان و ارشاد از قلب رحیم تراوش می‌کند، طوری که قلوب سخت را نیز از استکبار و استنکار فرو نشاند. افسوس که ما از قرآن تعلم نمی‌گیریم و به این کتاب کریم الهی، نظر تدبر و تعلم نداریم و استفاده ما از این ذکر حکیم کم و ناچیز است. (امام‌خمینی، ۱۳۷۲: ۲۳۷) قرآن غیر از برادری را برای مؤمنین نمی‌پذیرد. اگر هیچ جهتی جز برادری لحاظ نشود، انسجام و همبستگی به وجود می‌آید. اگر همه مؤمنین در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را عمل کنند، آسیب‌پذیر نخواهند بود. اگر جمعیت میلیاردی مسلمانان همین یک حکم را اطاعت می‌کردند، این گرفتاری‌ها پیدا نمی‌شد. (امام‌خمینی، ۱۳۷۹: ۱۱ / ۴۹۱)

از نگاه امام، اخوت اسلامی با رویکرد «همه با هم بودن» فراهم می‌شود، نه با «همه با من بودن». اولی رهیافت الهی و دومی رهیافت نفسانی و شیطانی است. (همان: ۱۹ / ۲۰۶) با تأمل در قرآن کریم معلوم می‌شود که همگرایی و اهمیت به سرنوشت جمع، یک اصل مهم

است و با تحقق اخوت اسلامی، این اهداف تأمین می‌شوند:

الف) اطاعت از رهبری جامعه اسلامی: یکی از محورهای اخوت اسلامی و همبستگی اجتماعی، رهبر جامعه اسلامی است. دشمنان اسلام از وجود پیامبر ﷺ به عنوان محور اتحاد و عامل همبستگی مسلمانان وحشت داشتند، از این رو، در جنگ احد برای اینکه اختلاف ایجاد کنند، شایعه کردند که پیامبر ﷺ کشته شده است. (سبحانی، ۱۳۶۳: ۲ / ۵۳) اطاعت از رهبری، جز در سایه حمایت از او تحقق نمی‌یابد. مردم تا هنگامی که از رسول خدا ﷺ اطاعت می‌کردند، از یکپارچگی برخوردار بودند. قرآن مجید شوکت مسلمانان را در سایه پیروی از خدا و رسول خدا ﷺ می‌داند، چنان که عکس آن نیز صحیح است و عدم اطاعت و حمایت باعث سستی و بر باد رفتن عظمت آنها می‌شود. نتیجه سخن اینکه، رابطه رهبر و مردم، رابطه امت و امامت و مرید و مرادی است. به همین دلیل مردم دور ایشان حلقه می‌زنند.

ب) اصلاح امور جامعه: یکی از اهداف اخوت، اصلاح امور و حفظ مصالح جامعه اسلامی و رسیدن به آرمان‌های قرآنی و مستضعفان است. حلقه اتصال همه افراد و گروه‌ها مصالح است. بر همین اساس است که هرگاه مصالح عمومی جامعه‌ای در معرض تهدید قرار گیرد، مصالح فردی و گروهی نادیده گرفته می‌شود و همه از آن دفاع می‌کنند. سکوت امام علی علیه السلام و همکاری او با خلفا در راستای مصالح عمومی صورت گرفت. (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۶۲: ۲ / ۱۰۷) سطح مصالح متفاوت است. مصالح در سطح شیعیان، در سطح شیعه و سنی و در سطح مستضعفان جهان در نوسان خواهد بود. سطح همکاری‌ها، اعتمادها و مشارکت‌ها نیز مختلف خواهد بود.

ج) قدرتمند شدن: هرگونه تعامل به قدرت وابسته است. «اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند». (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۱۰)

اخوت از نظر سیاسی و اجتماعی، عامل مشارکت است. مشارکت از نظر بیرونی، مانع سلطه بر ملت‌ها و از نظر داخلی عامل تعیین تکلیف سرنوشت ملت‌ها به دست خود و بیداری دولت‌ها در استفاده بهیمنه از منابع است. چه کسانی در عملی کردن پیام اسلام و ایده امام

برای شکل‌گیری اخوت اسلامی - انسانی مسئولیت دارند؟ با جستجو در آثار امام با سه گروه روبه‌رو می‌شویم که با عنوان مکانیسم‌های ایجاد اخوت بررسی می‌شوند.

مکانیسم‌های ایجاد اخوت اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

۱. علما

اخوت اسلامی - انسانی در سطوح مختلف وابسته به روشنگری و بیداری مردم است که از وظایف اصلی علما و دانشمندان شناخته شده است. تبیین تئوریک نظام اخوت، آثار و نتایج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. تبیین و دعوت به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف) بیانی و گفتاری: بیداری مردم به تبلیغ و تعلیم صحیح و کامل دین و اصول مشترک انسانی و فطری برمی‌گردد. این مسئولیت به عهده علمای اسلام و مراجع دینی است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲ / ۳۵) توجه به نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و توانمندی دین در اداره جامعه بشری در این بخش یک ضرورت محسوب می‌شود.

ب) عملی: هر چند «انظر الي ما قال» اصل است، نه «الي من قال»، لکن قاطبه مردم بین گفتار و رفتار، ملازمه برقرار می‌کنند، یا قادر به تفکیک نیستند و یا نمی‌خواهند تفکیک بین گفتار و رفتار کنند. گفتار در صورتی مؤثر واقع می‌شود که همراه با عمل و التزام باشد. علم در صورتی مفید خواهد بود که همراه با تهذیب باشد. عالم غیرمهدب، ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیان کاذب و بدعت‌ها را، علمای غیرمهدب تأسیس کرده‌اند. (همان: ۲ / ۳۸) در عین حال، این یک قاعده اجتماعی است که «اعتماد نکن به کسی یا گروهی که می‌گوید، ولی عمل نمی‌کند». گرایش مردم به علما به ایجاد اعتماد متقابل بستگی دارد. به هر صورت، تعلیم و تربیت زیربنای حرکت سیاسی و قیام است و تأسیس حکومت اسلامی به قیام همگانی وابسته است. از این رو، توسعه امر «تبلیغ» و «تعلیم» اولین و اساسی‌ترین وظیفه علماست:

وظیفه ما این است ... برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلامی ... تبلیغ کنیم، تعلیمات بدهیم، همفکر بسازیم، یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود آوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه ... در نهضت اسلامی

متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

شرایط تحقق اخوت اسلامی و همگرایی توده‌های مسلمان و غیرمسلمان در عبارت ذکرشده آشکار است. حرکت فکری برای بیداری ذهنی مردم، سرمایه‌گذاری در نظام تعلیم و تربیت و تشکیل کادر هم فکر یک ضرورت است. خلق باورهای مشترک، اولین گام برای همیاری و حرکت اجتماعی و ظهور نهضت جهانی اسلام شمرده می‌شود. باورها و ارزش‌های مشترک، زمانی حرکت ایجاد می‌کنند که از طریق تعلیم و تربیت در وجود تک‌تک افراد نهادینه شود. به گفته امام:

باید کاری کرد که ملت‌ها تکلیف خودشان را بفهمند. اگر علمای کشورهای اسلامی می‌خواهند مسائل ممالک اسلامی حل شود، باید مردم را بیدار کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۸۵)

امام در امر توسعه و تحکیم باورها و میانی دین و اخوت اسلامی به پایگاه‌های تبلیغی و شبکه‌های روابط اجتماعی سنتی، از جمله مراسم «نماز جمعه»، «جماعات»، «حج» و «روز قدس» در سطح ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند. او درباره نقش برجسته نماز جمعه، جماعات و حج، در امر بارورسازی فکری و تحقق بخشی اخوت اسلامی می‌گوید: «... اسلام این‌گونه اجتماعات را فراهم کرده تا از آنها استفاده دینی بشود، عواطف برادری و همکاری افراد تقویت شود». (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۳۱) گام دوم، حرکت سیاسی است که به بیداری توده‌ها وابسته است. در واقع، از دیدگاه امام پایه حرکت اجتماعی و قیام، تعلیم و تربیت است. بدون تحول فکری، قیامی صورت نمی‌گیرد یا یک حالت هیجانی و احساسی زودگذر خواهد داشت. گام سوم، تشکیل حکومت اسلامی است. تا ذهن مردم تغییر نیابد و فرم جدیدی پیدا نکند و براساس آن حرکت اجتماعی و نهضت صورت نگیرد، تشکیل یک حکومت اسلامی براساس آرمان‌های دینی و انسانی، یعنی یک حکومت عادلانه امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲. دولت‌های اسلامی

مقصود ما از دولت، فراتر از قوه مجریه است، بلکه «مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که

قوانین فائده در یک جامعه را وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند، اجرا می‌کنند». (رنی، ۱۳۷۴: ۱ / ۱۳) دولت‌ها در تصمیم‌گیری‌های جمعی و پس‌رفت و تعالی جوامع، نقش اساسی دارند. از نظر امام آسان‌ترین راه تحقق «اخوت اسلامی»، در اقدام ارادی سران و رؤسای ممالک اسلامی است؛ زیرا سران دول اسلامی، تمامی امکانات و اهرم‌های حقوقی و اجرایی را برای ایجاد اخوت اسلامی در اختیار دارند.

ما حرفمان این است که دولت‌ها بیایند قبل از اینکه خود ملت‌ها قیام بکنند، خود دولت‌ها بیایند خاضع بشوند، با هم دوست بشوند، با هم یک جلسه‌ای درست کنند، همه رئیس‌جمهورها بنشینند پیش هم و حل کنند مسائلشان را. هر کس سر جای خودش باشد؛ لکن در مصالح کلی اسلامی، در آن چیزی که همه هجوم آورده‌اند به اسلام، در او با هم اجتماع کنند، جلوشان را بگیرند و آسان هم هست. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸ / ۲۶۹)

مسئولیت دولت‌های اسلامی از همه طبقات بیشتر است؛ زیرا حفظ و اجرای احکام اسلام به دست این طبقه، سپرده شده است. (همان: ۲ / ۳۰) عمل به قرآن کریم، اساس بازگشت عظمت و مجد اسلام و جوامع اسلامی است. عمل به قرآن با حفظ وحدت کلمه و مراعات اخوت ایمانی که ضامن استقلال ممالک اسلامی و خروج از نفوذ استعمار است، به دست می‌آید. این مسئولیت سنگین به عهده دولت‌های اسلامی است. (همان: ۲ / ۴۶۰) امام اظهار امیدواری می‌کند و می‌فرماید:

دولت‌های اسلامی، با قطع نظر از زبان و نژاد و مذهب، تحت پرچم اسلام و سایه اخوت اسلامی در امر تشکیل ارتش صدمیلیونی کشورهای اسلامی فکر کنند و طرح آن را بریزند». (همان: ۱۸ / ۹۴)

سعادت دنیوی و اخروی ملت‌ها و دولت‌ها در اعتصام به حبل‌الله و شقاوت آنها در پشت کردن به تعالیم اسلام است. مسلمین با نزدیک به یک میلیارد جمعیت و مخازن بسیار غنی، تحت سیطره اجانب هستند. کلید به دست آوردن استقلال و آزادی، همگرایی است. «سران دولت‌ها باید این فکر اسلامی را تعقیب کنید». (همان: ۷ / ۱۷۰) از نظر امام، اساس مسائل

ممالک اسلامی، جدایی بین حکومت‌ها و ملت‌ها و بین خود دولت‌هاست. راه‌حل هر دو، دعوت مسلمانان به اخوت است. (همان: ۱۰ / ۴۸۶) اخوت اسلامی به معنی تفاهم، با حفظ حدود و ثغور کشورهای اسلامی است. (همان: ۲ / ۳۵) ظاهراً، امام به دولت فدرال اسلامی می‌اندیشد که دولت‌های اسلامی با حفظ مرزهای جغرافیایی خود، یک اتحادیه بزرگ تشکیل می‌دهند. با تشکیل اخوت بین دولت‌های اسلامی، قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد که هیچ‌یک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند به پای آن برسند. (همان: ۸ / ۸۸)

۳. ملت‌ها

مردم از قرآن و اسلام و در سایه آنها از علما و دولتمردان خدوم تبعیت می‌کنند. لذا دشمن سعی دارد این دو سد را بشکند تا به مطامع خود نایل شوند. اگر قرآن و روحانیت و دولتمردان دلسوز نباشند، مردم پراکنده می‌شوند و مقاومت نمی‌کنند. (همان: ۴ / ۲۱۵) در جامعه اسلامی، مقصد علما، دولت‌ها و مردم، واحد است و هر کدام وظیفه‌ای خاص در رسیدن به مقصد ایفا می‌کنند. علما در ارتقای معنویت و فکر مردم و دولت در اقامه عدل و مردم در پشتیبانی از دولت نقش اساسی دارند. اخوت اسلامی به عنوان یک مکانیسم می‌تواند علما، دولت‌ها و مردم را در مسیر واحد برای نیل به مقصد واحد قرار دهد. تشکیل مدینه فاضله اسلامی، مقصد و مصلحت اجتماعی و فردی بزرگی است که در سایه وحدت نفوس و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری به وجود می‌آید. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳۱۰)

پیغمبر اسلام به عنوان رئیس دولت اسلامی، عقد اخوت را بین مسلمین در صدر اسلام اجرا فرمود و به نصّ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، اخوت را بین تمام مؤمنین برقرار کرد. مسلمین، براساس دستور قرآن به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت مأمورند. آنچه موجب ازدیاد روحیه شود، محبوب و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست. (همان: ۳۰۹ و ۳۱۰) ملت‌ها باید به صدر اسلام برگردند. اگر حکومت‌ها با ملت‌ها همراهی نکردند، ملت‌ها باید حساب خودشان را از حکومت‌ها جدا کنند و با حکومت‌ها آن کنند که ملت ایران با حکومت خودش کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۸۹) اخوت اسلامی در

سلوک سیاسی امام یک منش اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و یک ضرورت برای قدرتمندشدن جوامع اسلامی است.

۴. تأسیس حزب

در مطالب یادشده اخوت اسلامی به عنوان یک گروه تعریف شد و قرآن آن را با عنوان حزب الله بیان می کند. حزب، هم نماد قدرت اجتماعی و سیاسی و هم نماد مدنیت است که چند ویژگی دارد:

اول: بر پایه یک ایده شکل می گیرد و همین، عامل تمایز مهم احزاب است.

دوم: فرد نمی تواند هم زمان در چند حزب عضو باشد.

سوم: حزب، منبعث از تعلق و پیوند است و خودبه خود به وجود نمی آید.

چهارم: دنبال تغییر وضع موجود براساس مرام و مسلک خود است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۴۷)

منظور ما از حزب الله، حزب به مفهوم امروزی نیست، بلکه همان امت اسلامی است. ایده و آرمان حزب الله، توحید و شرط عضویت در آن، ایمان و دستورالعمل و مرامنامه آن، قرآن و هدفش حاکمیت الهی و اجرای احکام اسلامی است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۴۷۵) هرچند امام با احزاب سروکار ندارد، ولی امت اسلامی را حزب واحد تلقی می کند. «مسلمین همه تحت یک حزب، «حزب الله» هستند». (همان: ۶ / ۳۹۶) حق و باطل، حزب الله و حزب شیطان، دو جریان دائمی از اول تأسیس جامعه بشری است. ملاک حق و باطل در اسم و ظاهر نیست، بلکه در ایده و محتواست. ایده حزب الله، توحید در عرصه اعتقاد و جامعه است و ایده حزب شیطان، خودخواهی و استکبار است. پیروزی نهایی با حزب الله است، «حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» و حزب های دیگر در نهایت مغلوبند. (همان: ۱۷ / ۱۹۲)

امام با تأکید بر تشکیل حزب مستضعفین، آن را در جبهه حزب الله تحلیل می کند که به دنبال تحقق جامعه عادلانه است. به نظر امام با همگرایی مستضعفان عالم که به قدرت جهانی حزب الله منجر خواهد شد، می توان به استقلال، آزادی، صلح و صفا دست یافت. «عموم مستضعفین باید به هم بپیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است». (همان: ۱۲ / ۱۴۵) «حزب مستضعفین» و

«حزب‌الله» دو مفهوم اساسی در ادبیات سیاسی امام هستند که تجلی‌گاه قدرت سازمان‌یافته توده‌های مؤمن و مستضعف هستند. هدف هردو تقویت باورهای جمعی در سطح امت اسلامی و امت‌های مستضعف دنیا و پایان دادن به نابسامانی‌های جهان اسلام و جهان مستضعفان است.

من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - متحقق کنند. (همان: ۹ / ۲۸۰)

حزب مستضعفین در عرصه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی، گامی به سمت فعال‌تر شدن سرمایه اجتماعی است. امام خمینی علیه السلام با اشاره به جایگاه محوری حزب در ایجاد قدرت، درباره نقش کاربردی آن می‌گوید: «هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید به وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود». (همان: ۹ / ۲۸۱) به نظر ما اعتمادسازی بین مردم، دولت و مردم، بین دولت‌های اسلامی و مشارکت مردم در سرنوشت خود، می‌تواند شیوه‌های مناسبی برای تحقق اخوت اسلامی باشند.

۵. اعتمادسازی

اعتماد، بر پذیرش عاملیت و کارگزاری فرد مقابل و خطرپذیری دلالت می‌کند. اعتماد یک موقعیت ذهنی، یک مجموعه نگرش مثبت از یک کنشگر، درباره رفتار یا هدف کنشگر دیگر است. «الف» به کنش یا هدف «ب» اعتماد می‌کند تا به هدف خود یا هدف مشترک برسد. اعتمادکننده، ارزیابی مثبتی از اعتمادشونده دارد و بر این باور است که او برایش مفید است و برای رسیدن به هدف، محتاج اوست. اعتماد با اعتقاد، ریسک و وفاداری در ارتباط است. (تونکیس، ۱۳۸۷: ۲۴) تعامل اخلاقی - انسانی تأثیر مهمی در اعتمادسازی دارد. منظور ما از تعامل اخلاقی، برخورد انسانی با همه و تقسیم نکردن انسان‌ها به شهروند درجه یک و دو است.

امام هرگونه تحقیر و کوچک‌شماری دیگران را مصداق استکبار و در مقابل، تعامل مساوات‌طلبانه و برابری‌جویانه را فرصت خوبی برای همگرایی اقشار جامعه می‌داند. (همان: ۷ / ۴۸۹)

نتیجه تعامل اخلاقی و انسانی، نفی نژادپرستی و قومیت‌گرایی است. در نگاه اسلام، تقوا ملاک برتری، تعاملات اجتماعی و سیاسی معرفی می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر نفی هرگونه ستمگری و برتری‌جویی تأکید می‌کند. احساس تعلق اقلیت‌های مذهبی به جامعه، با عدالت، مساوات و زندگی مسالمت‌آمیز به وجود می‌آید و همگرایی اقوام و نژادها، با ملاک قراردادن تقوا به دست می‌آید.

تعامل انسانی و اخلاقی یکی از بهترین راه‌های نفوذ در دل‌ها و موجب رفاقت و محبت بین انسان‌ها خواهد بود. اهمیت این خصیصه به قدری است که خداوند متعال پیامبرش را به اخلاق والا توصیف می‌کند. (قلم / ۴) در آیه دیگر، نقش حیاتی خوش‌خلقی را در روابط اجتماعی و اتحاد امت اسلامی این‌گونه بیان می‌کند: «اگر تندخو و سخت‌دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند». (آل عمران / ۱۵۹) اخلاق نیکو از عوامل مهم ایجاد وحدت و همدلی و اخوت در جامعه است. خوش‌رفتاری حکومت‌ها با ملت‌ها، آنها را با حکومت‌ها همراه می‌سازد، در این صورت دولت‌ها آسیب‌ناپذیر می‌گردند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸ / ۵۹) اگر دولت‌های اسلامی بر مردمان خود نفوذ داشته باشند، یعنی تعاملی مبتنی بر اعتماد متقابل بین آنها برقرار باشد، در صورت اراده دولت‌های اسلامی، حل مسائل فیما بین به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود.

موانع

مهم‌ترین مانع اخوت، از کار افتادن نمادهای اتحاد و اخوت است که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. اختلاف: یکی از عوامل براندازی اخوت، اختلاف است. اختلاف، اساس دین را به خطر می‌اندازد. (همان: ۶ / ۹۵) اسلام، دین مبارزه با تبعیض مذهبی، نژادی، جنسی، فقیر و غنی و طرفدار جامعه عادلانه است. (همان: ۷ / ۳۳۶) واگرایی جهان اسلام ناشی از سیاست‌های اختلاف‌افکن شیاطین و تبعیت عوام شیعه و سنی است؛ کسانی که نه از اهل بیت و نه از سنت پیامبر تبعیت می‌کنند. اسلام و قرآن اساس همگرایی شیعه و سنی است. (همان: ۶ / ۸۴ و ۹۵)

امام، مسائل اسلامی را «اقل و اکثر استقلالی» می‌داند، نه «اقل و اکثر ارتباطی»؛ در اقل و

اکثر ارتباطی، همه یا هیچ یا صفر و یک مطرح می‌شود. قرآن این‌گونه هشدار می‌دهد:

وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ... (آل عمران / ۱۰۳)

و نعمت خدا را بر خود، به یاد آورید که شما با هم دشمن بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد.

وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ... (انفال / ۴۶)

با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و شوکت شما از میان می‌رود.

امام، رذایل اخلاقی مانند غیبت را در صورت رایج شدن بین جمعیت، موجب کینه، حسد، بغض و عداوت و فساد در جمعیت می‌داند. نفاق و دورویی را در میان آنها ایجاد می‌کند و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته و پایه دیانت را سست کند. (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۳۱۰)

۲. تحقیر روحانیت و اسلام: اسلام و روحانیت از عوامل مهم همگرایی در سطح جوامع اسلامی هستند و در جهان مستضعفان تأثیرگذارند. از این رو، تلاش می‌کنند روحانیت را از کار بیندازند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۵ / ۲۰۸) جدایی روحانیت از سیاست و جامعه و سرنوشت جامعه اسلامی سرلوحه دشمنان بود. سد دیگری که می‌بایست شکسته می‌شد، اسلام بود. اسلام را در نظر مسلمین تحقیر می‌کنند، تا مردم را از آن جدا کنند. (همان: ۴ / ۱۹۶)

نتیجه

اخوت اسلامی به‌عنوان سرمایه اجتماعی، در مقوله‌های «حزب‌الله»، «حزب مستضعفان» و «اخوت» ظهور می‌کند و افراد با ورود به آنها سود می‌برند. اخوت اسلامی که مانند سرمایه اجتماعی به‌آهستگی و به‌مرور زمان ایجاد می‌شود، می‌تواند به‌سرعت از بین برود. قدرت در اخوت اسلامی و سرمایه اجتماعی در ساختار روابط (از نظر کمی و کیفی) نهفته است و برای مالک شدن آن باید وارد ساختار شد. دیگران منبع واقعی هستند. امام می‌گوید: اگر یک میلیارد مسلمان جمع شود، استقلال و آزادی خود را به دست می‌آورند. اخوت اسلامی و سرمایه اجتماعی از طریق بالابردن اعتماد عمومی، کنش‌های جمعی را تسهیل می‌کنند و هزینه‌های

کنش را کاهش می‌دهند. یک تفاوت ماهوی بین اخوت اسلامی و سرمایه اجتماعی رایج وجود دارد و آن اینکه اخوت اسلامی از جهان‌بینی و ایدئولوژی توحیدی نشئت می‌گیرد.

با توجه به مباحث مطرح‌شده، اهمیت اخوت اسلامی روشن‌تر می‌شود. اخوت اسلامی، حل مسائل جوامع اسلامی را برای اعضای جامعه، آسان می‌سازد. اعضای جامعه وظایف و مسئولیت‌های متقابل خود را انجام می‌دهند و به انجام آنها اهتمام دارند. اخوت اسلامی، انجام کنش‌های جمعی را تسهیل می‌کند و موجب اعتماد عمومی و متقابل مردم به یکدیگر می‌شود؛ به گونه‌ای که هم خود را از منظر دیگران قابل اعتماد و هم دیگران را مورد اعتماد می‌دانند (مؤمنند). پویایی روابط و اعتماد، اخلاق‌مندی را در جامعه رونق می‌بخشد. از دیدگاه امام، مردم قبل از آن که حاکم و محکوم باشند، انسان هستند. اخوت مقدم بر حکومت است. در این دیدگاه، حاکم، خدمتگزار است و مردم، پشتیبان او هستند.

امام باور داشت که با اخوت، مشارکت و همیاری بالا رفته، و آسیب‌های جامعه کاهش پیدا می‌کند. امام، علما را در تبیین نظری، دولتمردان را در برداشتن موانع و اجرایی‌کردن و مردم را در پیروی از علمای متعهد و آگاه و دولتمردان دلسوز، موظف می‌داند. اخوت اسلامی، نه تنها سرمایه اجتماعی تولید می‌کند، بلکه خود سرمایه اجتماعی است. رهیافت اخوت در اندیشه امام از آنجا ناشی می‌شود که تفرقه در میان امت اسلامی نتایج ذلت‌بار و جبران‌ناپذیری به بار آورده و می‌آورد. طرح راهبردی امام خمینی در امر تحقق «اخوت» در واقع، یک فراگرد چهار مرحله‌ای است:

اولین مرحله، ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری باورهای مشترک در سطح ملی و فراملی است؛

دومین مرحله، توسعه و تعمیق این باورهاست؛

سومین مرحله، به دو صورت قابل پیمودن است: یکی، از طریق مفاهیم سیاسی در سطح نخبگان سیاسی و دولتمردان و دیگری، از طریق حرکت‌های سیاسی و انقلابی از سوی مردم؛

چهارمین مرحله، تشکیل «دولت بزرگ اسلامی» با «دولت‌های مستقل» است.

امام به اتحاد دولت‌های اسلامی با حفظ حدود و ثغور تأکید می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۶۲، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، صحیفه امام، دوره ۲۱ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. _____، ۱۳۷۲، آداب الصلوة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. _____، ۱۳۷۳، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. _____، ۱۳۷۷، تنقیح الاصول، ج ۳، تقریر حسین تقوی اشتهاردی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. _____، ۱۳۸۱، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نشر عروج.
۹. _____، ۱۳۸۲، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱، المحاسن، یک جلدی، قم، دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. بشیریه، حسین، ۱۳۷۴، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. پونز، خوزه و جان اسکات، ۱۳۸۵، ساخت اجتماعی، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.

۱۳. تونکیس، فران و همس لزللی، ۱۳۸۷، *اعتماد و سرمایه اجتماعی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، ج ۲، قم، مرکز نشر اسراء، چ دوم.
۱۵. رنی، آستین، ۱۳۷۴، *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۶. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران، مؤسسه انتشاراتی کیهان.
۱۷. سبحانی، جعفر، ۱۳۶۳، *فروع ابدیت*، ج ۲، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۸. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، ۱۴۱۲، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. فتحی، یوسف، ۱۳۸۸، «رابطه اخلاق و سیاست با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی*، سال چهاردهم، شماره سوم، پائیز ۸۸.
۲۱. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۶، با مقدمه و ضمایم با آخرین تغییرات، قم، نشر جمال.
۲۲. کلمن، جیمز، ۱۳۷۷، *بنیادهای نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، نشر نی.
۲۳. کلینی رازی، ابی جعفر محمد، بی تا، *اصول کافی*، ترجمه و شرح سیدجوادی مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل البيت (علیهم‌السلام).
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوقاء.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، *مجموعه آثار*، ۲۷ جلدی، تهران، صدرا.
۲۶. مغنیه، محمدجوادی، ۱۴۲۴ هـ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

27. Bourdieu, pier, 1985, "the forms of capital", *in handbook of theory and research for the sociology of education, ed. JG.Richardson*, New York, Green wood.
28. Field, john, 2003, "social capital", *published by routledge*, London, uk.
29. Nadel, S. F. 1951, *Foundations of social Anthypology*, London, cohen and west.

Archive of SID